



سازمان ملل متحد وسیله ای بدست ابرقدرت ها

The United Nations: a tool of imperialism

نویسنده : دانیال مارلی

منبع : مجله " در دفاع از مارکسیزم "

مورخ : 26 فبروری 2016

ترجمه و تلخیص از : نعیم سلیمی

در کنفرانس سال 2015 حزب کارگر مختصرا بعد از پیروزی کوربین ، اعضای حزب به نفع طرح پیشنهادی وحدت میان اعضای حزب صرفا در پشتیبانی از حمله هوایی به سوریه در صورت حمایت ملل متحد از آن ، رای دادند . به این تازه گی ها به اساس یک ارا عمومی مبنی بر تفویض صلاحیت بامباردمان در غیابت حمایت ملل متحد یکتن از متحدین نزدیک آقای کوربین بنام دایان ابوت از جناح چپ حزب هشدار داد اینکه اگر بعضی از اعضای پارلمان نیتی به اقدام نظامی داشته باشند اولین گام آنها بایستی آوردن فشار بالای کامرون جهت دریافت قطعنامه ملل متحد، برداشت درین زمینه چنین است که بامباردمان سوریه و یا هر کشور دیگری درست است اگر اینکار از طریق ملل متحد و قانون بین المللی صورت بگیرد . این بسیار معمول است و شنیده میشود اینکه جنگ عراق غیر قانونی بود ، گویا اینکه ایالات متحده امریکا و انگلستان بطور یک جانبه به این قضیه برخورد کردند .

بسیار افراد و اشخاص در جناح چپ به ملل متحد به مثابه یک نیروی خوب مثبت ، و یک نهاد مترقی روشنتر جهان کاپیتالیستی ، نگاه میکنند .از دیدگاه آنان رهبران جناح راست محکوم به بی توجهی و استفاده نادرست ازین وسیله صلح ، معقولیت و همکاری پنداشته میشوند .در حقیقت ملل متحد از تصور و تخیل شرافتمندانه و نجیبانه خویش خیلی ها به عقب قرار دارد . جریان چپ باید هر چه زودتر خود را از شر گرفتاری اینگونه تخیلات و رویا ها رها سازند .

اشیانه دیپلوماسی دزدان:

سیاست خارجی همیشه و در همه جا تداوم سیاست داخلی است .سیاستمداران بورژوازی که به سعادت همگانی مردم تیشه میزنند بالای حقوق و امتیازات اتحادیه های کارگری حمله ور شده و صدای اعتراضات مردمی را در داخل خفه نموده و عین روش را در خارج از مرز های کشور ها جهت دنبال نمودن منافع خویش برای بانکها و کمپنی های بزرگ ، تعقیب میکنند .دیپلوماسی عبارت است از یک وسیله تقسیم غنایم استثماری کارگران جهان بخصوص در مستعمرات اسبق و کهن میباشد .ملل متحد صرفا یک مجمعی است برای این دیپلوماسی جهانی که خودش را ازین طریق تبارز دهد .ملل متحد از جانب 5 قدرت بزرگ جهانی فرانسه ، چین ، روسیه ، ایالات متحده امریکا و انگلستان اداره میشود .دموکراتیک ترین ارگان در ملل متحد مجمع عمومی ان است که در ان هر کشوری دارای حق یک رای میباشد .تا بحال به صد ها قطعنامه هایی وجود دارند که مجمع عمومی انها را به تصویب رسانیده ولی از جانب امریکا و سایر ابر قدرتها بلاک شده و الزامیت اجرایی خود را از دست داده است ، مثل اینکه به یخ بنویسی و افتاب انرا اب کند .بطور مثال بلاکید و محاصره اقتصادی کوبا از جانب ایالات متحده امریکا طی قطعنامه های متعددی از سال 1993 به این طرف تقبیه گردیده ولی موفق به ممانعت امریکا ازین کار نشده است .معاملات و دادوستد های ملل متحد به تجارت و یا بازار مالفروشی بی میماند که در ان اسپها و قاطران را رد و بدل میکنند و درین میان البته ذوق های مورد نظر نشانی شده و معاوضه میگردند بطور مثال دریک معامله جنجال بر انگیز اخیرا در شورای حقوق بشر این سازمان انگلستان از عربستان سعودی حمایت کرد و سعودی ها نیز این رویه بالمثل را در حق دولت بریتانیا انجام دادند .

به مشابعت همین گونه مثال ها ، ارا کشور ها در مجمع عمومی با دادن وعده های کمک خریداری میگردند که قسمت زیاد ان به جیب وزرا و کارمندان ملکی سرازیر میشوند .این بیانگر بازی نیرنگ و معاملات فاسدانه دیپلوماسی و سیاست خارجی بورژوازی میباشد . 70 سال از تاسیس سازمان ملل متحد میگذرد .در رابطه با گرفتاری ها و تشنجات متعددی در جهان ملل متحد دارای قوت های مربوط به خودش میباشد که انرا از کشور های متعدده استخدام میگیرد و در چنین مواردی مستقیما دست به اقدام میزند .این موردی است که گویا ملل متحد نقش مستقل خود را تبارز میدهد .اگر این قوتی که از ان نام بردیم یک نیروی صادق برای اشتی و حفظ صلح جهانی میباشد ، بایستی عملنامه ان بطور باز و برهنه بدون هیچگونه ابهامی به نمایش گذاشته میشد .مگر حقیقت درست معکوس این امر است .ملل متحد منفعت قدرتهای بزرگ را دنبال میکند .

در اوایل مراحل جنگ سرد ملل متحد خیلی ها زیاد تر ازین در امور مسایل جهانی دخیل بود .

در کوریا ملل متحد نقش فعالی را در پشتیبانی از ابر قدرت ایالات متحده امریکا در حمایتش از دیکتاتوری سرمایرداری کوریای جنوبی انجام داد که در ان هنگام بر علیه یک خیزش و یا جنبش انقلابی در انجا برضد اشغال جاپان مبارزه مینمود.

جنگ کوریا در واقع تلاشی بود از جانب ایالات متحده امریکا تا رژیم سینگمان ری را به نفوس و جمعیت کوریا تحمیل کند .اینکار خاصتا زمانی صورت گرفت که ان رژیم در تابستان 1950 متلاشی گردید. این اقدام در شورای امنیت به تصویب رسید زیرا اتحاد شوروی در آنزمان در احتجاج و اعتراضش در برابر عدم پذیرش و خروج چین از ان ارگان ، شورای امنیت را بایکوت و تحریم نموده بود.

مداخله در کانگو:

مثال دیگر ننگین درینمورد عبارت است از انقلاب در کانگو در سال 1960 است . پاتریس لومومبا مانند سایر رهبران مبارزات ضد استعماری مجبور شد تا به بر علیه امپریالیزم دست به مبارزه بزند . بعد از کشیدن انده کی از نفس تازه ازادی از سلطه بلجیم کانگو خود را دوباره در یک شورش و بلوا دیگری در یک منطقه غنی پر از معادن در جنوب شرق کانگو بنام کتانگا ، تجربه کرد. این شورش از جانب قوه استعماری بلجیم در یک تلاشی برای بی ثبات سازی حکومت جدید پشتیبانی میگردد . درین هنگام لومومبا از ملل متحد به خاطر دست درازی اشکار بلجیم در امور داخلی کانگو درخواست کمک نمود.

در پاسخ به این کار شورای امنیت تصمیم گرفت تا نیروی نظامی را به کانگو بفرستد . باید خاطر نشان ساخت که کارمندان که به انجا اعزام گردیده بودند هیچگونه روابط با ارزشی را با کشور و خواست مردم ان برقرار نکردند . در عوض انها غربی های متعلق به طبقه فوقانی بودند و بیشتر تر به کشور هایی روابط داشتند که لومومبا بر علیه انان میرزمید (بلجیم و ایالات متحده امریکا) تا کشور کانگو .

یک نویسنده بلجیمی بنام لودو دی وت در سال 2001 در کتابی تحت عنوان " سو قصد قتل لومومبا " بطور قطعی به اثبات رسانیده است که قوای ملل متحد در سرنگونی لومومبا و اولین حکومت مشروع دموکراتیک منتخب در کانگو دست داشته است تا حفظ صلح در انجا .

ملل متحد با بیتفاوتی غیر فعال تقاضا نمود تا بلجیمی ها از جمهوری مردم کانگو بیرون شوند. هیچگاهی ملل متحد این دست درازی را تقبیه نکرد و یا هیچگونه تدابیر واقعی درین باره اتخاذ ننمود. بر عکس حضورش در انجا مشکلاتی را برای رژیم جدید انکشور ایجاد نمود. ملل متحد انزمان ستیشن رادیو و میدان هوایی را بدست خویش گرفت. این کار سبب شد تا صدای مرد و حکومت کانگو برای جلب حمایت از رژیم نو به گوش کشور های دوست افریقایی نرسد. همچنان در دست داشتن میدان هوایی سبب شد تا کمک های اتحاد شوروی به این کشور بلاک گردند.

چنین ادعا میشود که همسرکیولد سکرتر جنرال انوقت سازمان ملل متحد در توطئه سو قصد قتل لومومبا نقش بازی نموده و لومومبا خودش طی نامه به همسرش چند ساعت قبل از مرگش این مطلب را تایید نموده که مقامات بلجیمی با مقامات عالی رتبه ملل متحد دسیسه میکردند تا به او و مردمش ازار و اذیت برسانند. ملل متحد می خواست تا حکومت لومومبا را در اگست 1960 و در اوایل سال 1961 سرنگون سازد. مطالعه اثر نویسنده پی بنام فایدلیس ایتا ایون تحت عنوان " ملل متحد در کانگو از 1960 الی 1964 : تحلیل انتقادی یک مداخله غم انگیز " درینمورد خالی از دلچسپی نیست.

تنها بعد از قتل لومومبا طی یک کودتا بود که ملل متحد در برابر شورشیان کتانگا که در صفحات پیشین به ان اشاره شد ؛ دست به اقدام جدی زد. اشتباه غم انگیز لومومبا این بود که به موقوف به اصطلاح احترام امیز ملل متحد به حاکمیت ملی و صلح جهانی اعتماد نمود.

نوت:

شباهت های اوضاع و احوال انزمان در کانگو البته با حفظ تفاوت های خاص اقتصادی اجتماعی و فرهنگی انکشور با افغنستان در استانه سقوط حکومت جمهوری افغنستان و پایان غم انگیز دوره ریاست جمهوری داکتر نجیب اله را بیاد حافظه تاریخ زنده میسازد که در خور یک ریسرچ و دوباره نویسی تاریخی رویداد های انزمان کشور ما میباشد. ما همه به یا داریم که بینین سوان نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در انوقت در همدستی و دسایس پشت پرده با حلقات امپریالیستی جهان و منطقه چگونه مردم افغنستان را تنها گذاشته و ما را با دست های بسته از عقب به گودال تاریک قهقرای بربریت و وحشت روانه ساخت که از زخم ناسور ان تا کنون خون میچکد.

خوب درینجا هیچ جای شکی نیست اوضاع و احوال انزمان که چندان نصیب و بختی برای حکومت نجیب اله به ارمغان نیآورد درین تغیرات و تحولات نقش اساسی داشتند. ولی شاید هم خوشباوری های جناح چپ و رهبری ان نیز درینمورد بی اثر نبوده باشد.

تاد گرنت یکی از رهبران اصولی جناح اسبق حزب کارگر انگلستان خاطر نشان ساخت که " بعد از جنگ جهانی دوم در تمام نقاط جهان جنگ ها بوقوع پیوسته و ملل متحد نتوانسته است تا تدابیری را درینمورد اتخاذ کند. " نیرو های حافظ صلح ملل متحد به فردی میماند که با یک اسپانچ دست داشته اش تلاش میورزد تا زمین را با بی پروایی پاسپاس کند. در هر جایی که انها جابجا میشوند به منفعت صلح نبوده مگرابر قدرتها. برخی ازین تجربه ها را در کانگو مشاهده کردیم. حال می پردازیم به هایتی .

هایتی:

یازده سال از اشغال دیکتاتوری نظامی هایتی می گذرد (2004-2014). این اشغال با کودتای 2004 که توسط ایالات متحده امریکا بر علیه رژیم جناح چپ رییس جمهور ارستید که اولین رییس جمهور منتخب هایتی بود ، زمینه سازی و همراهی گردیده است. نقش رسمی ملل متحد در هایتی به مثابه داوری بیطرفانه تلقی شده که گویا هدف ان ایجاد ثبات در کشور جهت رفع خشونت است که بعد از کودتا ایجاد شده میباشد. مگر در واقعیت امر ملل متحد هرگونه تلاشی را از جانب مردم هایتی جهت بسیج سیاسی شان بر علیه کودتا در پشتیبانی از ارستید در ضدیت با قوای حکومت ایالات متحده امریکا به اختناق و خفقان میکشاند .

قوای ملل متحد برگشت ارستید را به کشور زیر بهانه جلوگیری از خشونت مانع میشوند. در حالیکه بر عکس خشونت و کودتا از جانب رژیم کنونی در کشور بوجود آمده است. در سال 2005 سفیر امریکا جیمس فولی طی یک سفر محرمی نوشت اینکه نظر خواهی های همگانی در ماه اگست 2004 نشان داد که ارستید هنوز هم یگانه شخصیتی در هایتی بود که محبوبیت ان از 50 درصد بالا درجه بندی گردیده است.

یک دیپلمات اسبق گواتیمالا بنام ادماند مولیت در یک ملاقاتی با مقامات وزارت امور خارجه امریکا بتاريخ 2 اگست که در انزمان در راس تیم ماموریت ملل متحد برای با ثبات سازی هایتی قرار داشت ، تاکید کرد که ایالات متحده امریکا بر علیه ارستید برای جلوگیری از تاثیر گذاری و جذبه بیشتروی بر مردم هایتی و بازگشت دوباره اش ، دست به اقدامات قانونی بزند.

بنا بر پیشنهاد مولیت کوفی انن سر منشی ملل متحد به تیوو امبیک رییس جمهور افریقای جنوبی در مورد ضمانت اینکه ارستید در افریقای جنوبی باقی ماند ، تاکید ورزید. در 2008 در یک سفر سفارت امریکا در هایتی جنیت سندرسن سفیر اسبق امریکا در انجا تاکید نمود که گذار و انصراف از ماموریت ملل متحد مبنی بر ایجاد ثبات در هایتی... حکومت را در برابر شورش همگانی اسیب پذیر میسازد و سبب میشود که نیرو های سیاسی ضد اقتصاد مارکیت دستاورد های دو سال را به عقب ببرند .

ماموریت فوق که از آن گفته آمدیم و قوای ملل متحد در هایتی در تضییق و خفقان مستقیم ورو درو مرم انکشور دست دارند. بنا بر چشمدید یک سرباز بر ازیلی که خودش درین ماموریت شرکت داشت : "حقیقت این است که هیچ چنین روزی نیست که در ان قطعات ملل متحد یک نفر را در تبادلہ آتش متقابل نکشند . من خودم دست کم دو نفر را کشتم، در مورد اینکه دیگران چند نفر را کشته باشند من به عقب نگاه نکردم تا ببینم. منابع جورنالیست های مستقل خبر میدهند که در 10 سال گذشته بیشتر از 20000 تن یا به هلاکت رسیده و یا ناپدید شده اند.

رہبر تیم حقوقدانان بر اذیلی (او ای بی - آر جی) بنام اندرسن باسنگر کاروالیو خاطر نشان ساخت که اشغال نظامی بین المللی تحت قوماندانی برازیل در چوکات ماموریت ملل متحد علاقمند بهره کشی از کارگران هایتی در مناطق زون های ازاد میباشد. درین مناطق ساعات کار طولانی تر از 12 ساعت در یکروز بوده و اقل معاش در یک ماه به 120 دالر میرسد.

قوای ملل متحد به مناطق فقیر نشین به بهانه مبارزه با مواد مخدره هجوم برده و در حقیقت نیرو های سیاسی انقلاب مردمی را هدف قرار میدهند. درین میان علاوه بر کشتار هزاران انسان به بسیاری افراد تجاوز جنسی صورت گرفته است. در سال 2007 - 114 اعضای تیم 950 نفری عساکر حافظ صلح ملل متحد سریلانکا در هایتی متهم به سو استفاده و بد رفتاری جنسی شده بودند. 108 تن بشمول 3 افسر بعد از تحقیقات جرمی دوباره به کشور شان فرستاده شدند. بد تر تر از همه اینکه عساکر مذکور بعد از 150 سال برای اولین بار مرض کولرا را با خود به انجا نقل دادند که تا به حال بیشتر از 9000 کشته از خود بجا گذاشته است. عساکر نیپالی با وصف شیوع این مرض در نیپال بدون چک و کنترل به هایتی اعزام شدند. دلیل دیگر شیوع این مرض در هایتی استخدام قراردادی های خصوصی از جانب ملل متحد درینمورد بود تا جلو شیوع انرا میگرفتند. انها از امکانات و لوازم مادی انده کی برخوردار بودند و همچنان مدیریت انها درینمورد بسیار ضعیف بود که حالا ما داخل جزئیات ان نمی گردیم.

تمسخر و بی کفایتی :

انتخاب عربستان سعودی درین اواخر به سمت رییس کمیته حقوق بشر ملل متحد یک طنز جالب در باره کشوری میباشد که ریکارد بینهایت برجسته جهانی را در بریدن سر انسانها و مجازات اعدام توسط جلادان و قاتلان حرفوی بدست آورده است. تفویض این کرسی به سعودی ها اهانت بزرگ به چارتر ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر است .

بسیاری از تصاویر ملل متحد فاقد معنی و ارزش اند بطور مثال میتوان از تعذیرات مبنی بر تصویب و تایید جنگهای قانونی و بمباردمانها نام برد . مثلا بمباردمان سوریه و توافق شورای امنیت به ان . برای اینکه تمامی ابر قدرت ها می خواستند که سوریه بمبارد گردد و این کار را زیر چتر ملل متحد انجام دادند تا یک پوشش دیپوماتیک بر روی ان بکشند . و یا بقول معروف تیر شان دسته پیدا کند .

در نمونه عراق ، حکومت عراق تقاضای بمباردمان را نمود .در انظار بسیاری ها چنین توجیه میگردد که این کار را حکومت عراق درخواست کرده و خواست شان چنین بوده است .مگر سوال این است که کدام حکومت عراق یا به عباره دیگر حکومت عراق چیست و کیست؟ و چرا باید ما فوراً به مشروعیت این حکومت باور داشته باشیم؟، این در حالیکه است که بسیاری از مردم عوام بطور درست درک میکنند که حکومت خود ما بطور صادقانه از ما نماینده گی نمیکند.

حکومت عراق محصول تجاوز حکومت کشور خودماست(انگلستان)و مطلقاً به ابر قدرتها وابسته است.رییس جمهور قبلی خودش هم محصول تجاوز و هم یک عامل ظهور داعش بنابر تمایلات شیعه گرایی بود.البته به نظر مترجم این مقاله بنا بر ناکامی اش در تطبیق و پیشبرد بعدی اهداف امپریالیسم جهانی در عراق با اعمال فشار و نفوذ از جانب ایالات متحده امریکا و بریتانیا خلع قدرت گردید و رییس جمهور نودست نشانده دیگری با دریافت تایید و منظوری خاصی از جانب امپریالیست های غربی ، به جایش نصب گردید.خوب این دیگر جای تعجب نیست که چرا حکومت موجود از غرب تقاضای کمک میکند.

مورد دیگر بمباردمان لیبیا در 2011 میباشد که به رژیم قضافی پایان بخشید.این کار از جانب ملل متحد به تصویب رسید .سوال اینجاست که ایا انجام اینکار توانست حالت در هم و برهم لیبیا را بهتر تر بسازد ؟

به نظر مترجم این نوشته انکشافات اوضاع در انزمان و تغییرات و تحولات کنونی نشان دهنده ان است که سرنگونی قضافی سبب ظهور خلای قدرت در لیبیا گردیده و منجر به ایجاد دو حکومت موازی شد که در بی ثبات سازی بعدی اوضاع نظامی و سیاسی انشکور نقش بسزایی داشت . تهاجم به لیبیا ثبات نسبی موجود را در شاخ افریقا خاصتا کشور های شمال شرقی ان قاره از بین برد و امنیت مرزی بین انها را با ترافیک ازاد و بدون کنترل اسلحه و ایجاد لانه های تروریستی در سومالیا و غیره کشور های افریقایی بر هم زد.

وقتی ملل متحد اقدامی را به تصویب میرساند تماما بدین معنی است که این اقدام در مطابقت با منافع متقابل قدرتهای بزرگ صورت می گیرد که به هیچوجه انسانی ، معقول و با سنج نمیباشد.

مانعه یا حایل ملت – دولت:

ملل متحد تنها زمانی میتواند تغییرات مفیدی را انجا بدهد و ان در صورتیکه بتواند تفاهم وسیع صلح امیز را در رابطه با پرابلم های بزرگ در روابط جهانی طرح ریزی کند.

این درست همان عرصه است که نمیتوان به یک تفاهم رسید .منافع کلیدی سبب ان میگردد تا تصادمات بوجود بیایند.

عدم امکان حصول به یک تفاهم بین المللی تحت شرایط سلطه سرمایرداری به اثبات رسیده است. مثلا این ادعا در رابطه با ورشکستگی حالت موجود اروپا به شدت و قوت خود به اثبات رسید و نشان داد که همگرایی و اتحاد اروپا نمیتواند تحقق یابد. در حالت موجود اتحادیه اروپا به مثابه یک کلوب سرمایرداری صرفا تشنج بین ملت ها را به سوی وخامت بیشتر سوق میدهد.

نوت :

صحت این ادعا در رپفراندم مورخ 23 جون 2016 انگلستان مبنی بر جدایی انگلشور از اتحادیه اروپا به اثبات رسید، در حالیکه این رساله در ماه فبروری 2016 به نشر رسیده بود و در انزمان بسیاری ها هم در جناح چپ و همچنان جناح راست فکر میکردند که خروج انگلستان از اتحادیه اروپا محال نا ممکن است. ولی انهاییکه به عمق این بحران توجه داشتند داشتند و سطحی نگر نبودند ، وقوع این گردباد و خیزش انرا از قبل میدیدند و چنانکه بوقوع پیوست پیشبینی کرده بودند .

در قرن نزدهم پالمستر صدر اعظم حزب توری (حزب محافظه کار انگلستان) این موضوع را چنین مطرح نمود :

"ملت ها هیگونه دوستان و یا متحدین دوامدار ندارند ، انها صرفا دارای منافع دایمی اند ."

تروتسکی با درستی و دقت بیشتر درین زمینه استدلال می کند که :

" دولتهای سرمایرداری خویشان را به دوستان و دشمنان صلح خاصتا صلح تقسیم نمیکنند و چنین چیزی اصلا وجود ندارد . هر کشور امپریالیستی علاقمند نگهداشت صلح برای خودش است ولو اینکه این صلح برای دشمنانش طاقت فرسا باشد ... صلح واقعا زمانی ضمانت میشود که تمام دولت ها در یک لیگ و یا اتحادی جهت دفاع متحد شوند و این بدین معنی است که صلح صرفا زمانی میتواند ضمانت شود در صورتیکه هیچ علی برای تخطی از ان موجود نباشد ."

تشنج ژرف ودوامدار در روابط بین المللی در جهان کنونی و سده حاضر عبارت است از تصادم ایالات متحده امریکا و چین میباشد. آغاز این برخورد ها از قبل روشن است و ان اینکه چین تلاش میورزد تا اراضی و نفوذ بیشتری در ابحار جنوب شرق چین (هند و چین) بدست بیاورد. برای دنبال مقاصد خویش چین بطور منظم ایالات متحده امریکا و ملل و کشور های واقع در اسبیا – بحرالکاهل را در تقابل قرار میدهد. چگونه ملل متحد میتواند نفوذ صلح امیزی را بر چین اعمال کند ؟ چگونه ملل متحد میتواند این تقابل را بهبود بخشد و یا لاقلا چگونه میتواند درین راستا یعنی غلبه بر خطرناکترین برخورد ها بین اعضای شورای امنیت که هر کدام دارای یک حق رای ویتو بالای یکدیگر اند، کمک نماید ؟.

حقیقت مسلم این است که ملل متحد نمیتواند و نمی خواهد کوچکترین تفاوتی را بوجود بیاورد. زیرا تشنج و یا نقطه تصادم یک مطلب بنیادی بین قدرت و ثبات میان این دو ابر قدرت است.

نتیجه گیری :

برای برتانیای سوسیالیست
در یک جهان سوسیالیستی

چنانچه در مقدمه سخن گفته امدیم که ملل متحد یک مجمعی است صرفا برای ابر قدرتها که در انجا تشنجات و تصادمات دست دوم حل و فص می گردند. این ارگان نمیتواند صلح دایمی و دوامدار را تامین کند. تجربه تاریخ بعد از جنگها نشان داده است که ملل متحد خودش به تنهایی دارای هیچگونه قوتی نیست بلکه محض بازتاب روابط بین نیرو ها در جهان میباشد.

یگانه نیروی پر قدرت و نیرومند تر از هر گونه سلاح کشتار دستجمعی عبارت است از همبستگی طبقه کارگر جهان است. کارگران در امریکا، در روسیه، در جرمنی و انگلستان، مانند کارگران در همه جهان دارای منفعت مشترک اند. این مربوط به آنها میشود نه حکام و فرمانروایان جهان. جنبش کارگری بایستی حل مشکلات صلح جهانی را جستجو نموده و به نظم و سیستم کنونی جهانی نقطه پایان ببخشد.

مبارزه برای بریتانیای سوسیالیست در یک جهان سوسیالیستی شعار مبرم روز است.

ملل متحد نمیتواند به یک سازمان دموکراتیک ممثل و حامی صلح جهانی، تحول کند. موجودیت نظام سرمایه داری مانع بزرگ بر سر راه دسترسی به صلح میباشد. جنگهای بی پایان در سراسر تاریخ سرمایه داری که ما شاهد ان بوده ایم، ثبوت این ادعاست.

این یک مطالبه احمقانه است که از یک کلوبی از حکمرانان درخواست ختم جنگهایی را بکنیم که خود ان فرمانروایان انها را شعله ور ساخته اند.

تنها طبقه کارگر میتواند به جنگ و الام درد اور ان پایان بخشد. زیرا تنها طبقه کارگر ارزومند رسیدن به صلح بنابر منفعت طبیعی و مادی اش درین زمینه میباشد.

طبقه کارگر انگلستان از جنگ عراق نفعی بدست نیآورده است. بر عکس جنگ صرفا جهان را برای ما بیشتر به مخاطره انداخته است. کارفرمایان کمپنی های نفت منعت هنگفتی را ازین جنگ بدست آوردند.

در نتیجه ما بایستی خودمان سازمانهای همبستگی سوسیالیستی جهانی طبقه کارگر را جهت مبارزه واقعی برای صلح برای دستیابی به یک جامعه مبتنی بر انسان سالاری، بوجود بیاوریم.

پایان